

خبرنامه

کارگری - اقتصادی



تفسیر خبری

نتیجه سیاست‌های اقتصادی حاکمیت ایران در استان‌های محروم

کشور پهناور ایران که هزاران کیلومتر با کشورهای همسایه مرزهای مشترک دارد دارای ۳۱ استان می باشد که به‌طور تقریب نصف این استان‌ها مرزهای مشترک با کشورهای همسایه دارند و حدوداً جمعیت استان‌های مرزی ایران ۳۶ میلیون نفر است که بالغ بر نیمی از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. کار، تأمین مسکن، بهداشت، بیمه و آموزش و غیره از وظایف حکومت است که باید بتواند به‌طور مساوی در تمامی استان‌های کشور به وجود بیاورد. بیکاری، نبود امکانات آموزشی و بهداشتی، نبود رفاه اجتماعی و خدمات اجتماعی، نبود صنایع مادر و یا کارخانه بزرگ صنعتی، نبود فرصت‌های شغلی متناسب و امکانات اولیه زندگی و همچنین مهاجرت اجباری به شهرهای بزرگ و مرکزی به امید یافتن شغلی مناسب، موضوعات حادی است که گریبان گیر ساکنان این استان‌ها را گرفته است.

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار، نرخ بیکاری در استان سیستان و بلوچستان ۱۱.۲ درصد اعلام شده است در حالی که حسین علی شهریاری نماینده زاهدان در مجلس اعلام کرد «میانگین نرخ بیکاری در برخی از مناطق سیستان و بلوچستان ۴۵ درصد است.» همچنین در آخرین گزارش مرکز آمار، نرخ بیکاری در استان کردستان ۱۳.۳ درصد اعلام شده است. محسن بیگلری نماینده سقز و بانه در مجلس اظهار داشت: «نرخ واقعی بیکاری در استان کردستان برخلاف آمار ارائه شده توسط بسیاری از مسئولان استان ۴۰ تا ۵۰ درصد بوده و این رقم بسیار نگران‌کننده است.»

این تنها دو نمونه از آمارهای اعلام شده رسمی از طرف حاکمیت و نمایندگان مجلس استان‌ها هست که تفاوت فاحش آمارهای کاغذی و تبلیغاتی را با آمارهای واقعی نشان می‌دهد. در یک نگاه کلی حتی به آمارهای ارائه شده از طرف دستگاه‌های دولتی، عدم توسعه انسانی، کیفیت پایین زندگی، جمعیت بی‌سواد کشور، حجم اندک سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی به استان‌های مرز نشین تعلق دارد و این استان‌ها جزو مناطق محروم کشور ثبت شده باشند.

علی یزدانی معاون وزیر و مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران گفت: «متأسفانه ۶۰ درصد واحدهای تولیدی کوچک و متوسط کشور دچار تعطیلی هستند و ۷۵ درصد صنایع زیر ظرفیت فعال‌اند.» معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار کردستان گفت: «۲۷ درصد از سهم اشتغال کردستان مربوط به بخش کشاورزی است و تنها ۷.۵ درصد از آن سهم بخش صنعت و معدن است و این مهم در حالی است که کردستان بیش از ۶۰۰ میلیون تن ذخیره معدنی دارد.» سال گذشته شهیندخت مولوردی معاون روحانی در امور زنان و خانواده اعلام کرد: «ما روستایی را در سیستان و بلوچستان داریم که تمامی مردان آن روستا اعدام شده‌اند. بازماندگان آن‌ها امروز قاچاقچی بالقوه هستند هم از این نظر که بخواهند انتقام پدران خود را بگیرند هم برای تأمین منابع مالی خانواده‌ها، اما هیچ حمایتی از این افراد نمی‌شود.»

حال مردم زحمتکش ما در ایران و بخصوص در استان‌های مرزی با سیاست‌های غیر تولیدی حاکمیت چگونه باید شکم خود و خانواده را سیر کنند؟ شرایط سخت و دشوار این مناطق، بسیاری از مرز نشینان را مجبور کرده است که برای به دست آوردن لقمه‌ای نان، سخت‌ترین کارها را انتخاب کنند و یکی از این کارها کولبری است که در بعضی از استان‌های مرزی وجود دارد و در مرزهای غربی ایران به مراتب بیشتر رشد کرده است.

حال می‌توان فهمید که چرا در مناطق مرزی غرب ایران، هزاران زن و مرد برای تأمین زندگی خود و خانواده‌هایشان به کارهای پر مخاطره‌ای همچون کولبری تن می‌هند. آنان در مقابل دریافت مبلغ ناچیزی بارهای سنگین تا ۱۲۰ کیلو را جابجا می‌کنند. البته این پول را هم به شرطی دریافت می‌کنند که بتوانند بار را صحیح و سالم به مقصد برسانند. چراکه در این مسیر کولبران با تهدیدهای متفاوتی همچون شلیک مستقیم نیروی انتظامی، انفجار مین، سقوط به داخل رودخانه و پرت شدن از کوه و قاطر در پی تعقیب و گریز از نیروهای انتظامی، سرمازدگی و... روبرو هستند و بخش اعظم سود این کار به دلالانی که در دو طرف مرز بدون تحمل هیچ خطر و رنج و زحمتی در انتظار رسیدن کالا هستند، می‌رسد.

جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس می‌گوید که: «...کولبران در مرزهای غربی کشور به خاطر ۱۰۰ هزار تومان کولبری <<

می‌کنند تا امرار معاش کنند، اما در مقابل افرادی با یک تلفن و بدون طی مراحل قانونی جلوی چشم مسئولان هزاران تن محصول وارد می‌کنند و میلیاردها تومان به جیب می‌زنند.»

سیاست‌های اقتصادی حاکمیت در ایران نهنها بر تولید و ایجاد اشتغال استوار نیست بلکه فقط در جهت حمایت از دلالتان و واردکنندگان هست و از طرف دیگر وجود فسادهای چند لایه‌ای و سیستمی و ساختاری سیاسی و اقتصادی، و وجود روابط رانتی و... در لایه‌های بالای حاکمیت نهادینه شده و تا زمانی که در حاکمیت ایران تغییری در این عرصه‌ها بوجود نیاید، بهبود یافتن وضعیت معیشتی در جامعه کارگری در پایین‌ترین حد خود خواهد ماند و هر روز به مراتب بدتر خواهد شد.

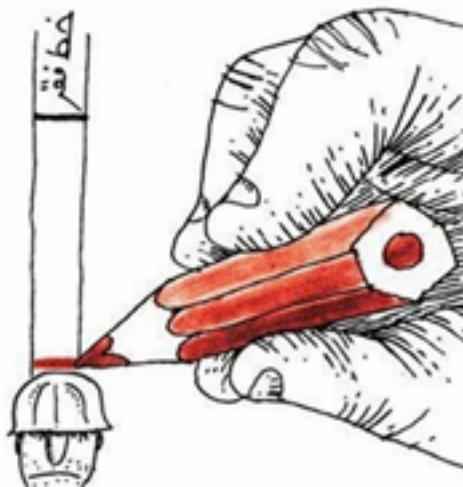
تداوم فعالیت‌های اقتصادی ارگان‌های نظامی و شرکتهای زیر مجموعه آن بدون ثبت در مراکز دولتی!

معاون وزیر اقتصاد: اطلاعات ما از فعالیت اقتصادی ارگان‌های نظامی بسیار محدود و بسته و گریخته است. حسین میرشجاعیان، در پاسخ به این پرسش که طبق فراخوان عمومی سازمان بورس و اوراق بهادار کلیه بنگاه‌های وابسته به نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای نظامی و انتظامی و سازمان‌های وقفی و مؤسسات خیریه موظف هستند تا اطلاعات مالی خود را در اختیار سازمان بورس قرار دهند، با توجه به این که این موضوع تکلیف قانونی است آیا مکانیزم اجرایی آن فراهم شده یا خیر؟، اظهار داشت؟ بله، این فراخوان از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار داده شده و واقعا نیازمند آن هستیم تا اندازه و سهم این نهادها را در اقتصاد ایران بدانیم. این در حالی است که در حال حاضر اطلاعاتی در این خصوص وجود ندارد و اطلاعات ما از فعالیت اقتصادی ارگان‌های نظامی، نهادهای عمومی غیر دولتی و مؤسسات خیریه، بسیار محدود و بسته و گریخته است. البته از آن دسته از شرکت‌هایی که در بورس حضور دارند، اطلاعات داریم اما اشکال این موضوع این است که این شرکت‌ها لایه لایه هستند و دارای شرکت‌های زیرمجموعه مختلفی‌اند. زیرمجموعه آن شرکت‌ها نیز شرکت‌های زیرمجموعه دیگری دارند و سهم این مجموعه‌ها از اقتصاد ایران هنوز مشخص نشده و معلوم نیست چه میزان از کیک اقتصاد ایران مربوط به این شرکت‌ها می‌شود.

اگر واقعا سهم بنگاه‌های اقتصادی نهادهای نظامی و عمومی غیردولتی در اقتصاد بالا باشد عملا اقدامات ما برای بهبود محیط کسب و کار تاثیری بر روی آنها ندارد، زیرا آنها خودشان مسیر فعالیت و بهبود شرایط خود را بلد هستند و مجوزهای مورد نیازشان را به راحتی دریافت می‌کنند. حتی به سادگی بانک تاسیس کرده و شرکت‌های زیرمجموعه خود را تامین مالی می‌کنند. موضوعی که واقعا برای اقتصاد ایران تهدید محسوب می‌شود این مسئله است که حاکمیت، اطلاعات درستی از نهادهای گوناگون نداشته باشد و واقعا نیازمند این هستیم که اطلاعات خود را افزایش دهیم و اقدام اخیر بورس هم در این راستا بوده است. مهم نیست که این شرکت‌ها برای شفاف شدن اطلاعاتشان، اعلام آمادگی کنند زیرا اگر حاکمیت واقعا به دنبال این باشد که شفاف عمل کند و سیاست‌گذاری درستی داشته باشد باید اطلاعات دقیق و درستی در این خصوص در اختیار داشته باشد.

دادگاه تجدیدنظر محمود صالحی فعال کارگری

سحبانیوز، دادگاه تجدیدنظر محمود صالحی فعال کارگری، که در دادگاه بدوی به ۹ سال حبس تعزیری محکوم شده بود، به علت عدم حضور نماینده دادستان برگزار نشد و برگزاری آن به ماه بعد موکول شد. روز پنجشنبه مورخ ۱۴ بهمن ماه، تاریخ جلسه دادگاه تجدیدنظر به صورت تماس تلفنی به محمود صالحی اعلام شد و او به شعبه چهارم دادگاه تجدید نظر استان کردستان احضار شد. محمود صالحی فعال کارگری در دادگاه بدوی در شهریورماه ۱۳۹۴، به اتهام "تشکیل جمعیت معارض و تبلیغ علیه نظام" به ۹ سال حبس تعزیری محکوم شده بود. حکم ۹ سال حبس تعزیری برای محمود صالحی در شرایطی صادر شد که او هر هفته باید دو بار و هر بار برای چند ساعت در بیمارستان سقز تحت درمان "دیالیز" قرار بگیرد، به گفته نزدیکان، علت عارضه شدید کلیه "محمود صالحی" نیز ممنوعیت درمانی و نرسیدن داروهای کلیه وی در زمان بازداشت در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ است. محمود صالحی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، که سابقه بازداشت و زندانی شدن‌های متعددی دارد، آخرین بار، روز سه شنبه هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴، در آستانه روز جهانی کارگر، توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی اش بازداشت و پس از بیش از یک ماه بازداشت با وضعیت جسمی نامساعد، به قید وثیقه آزاد شد.





برای علی محمد نژاد دانش آموز کولبری که زیر بهمن برای نان جان داد!

زمستان است سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت. سرها در گریبان است. «اخوان ثالث»

علی جان! چشمان سیاهت هنوز با نورگرم شان. زیر کوهی از یخ و سرما کلاس معلم شرمنده ات را گرم گرم نگه داشته است. علی جان! زیانم از گفتن لال و قلم از نوشتن عاجز است و الفاظ. پذیرای محتوای پیام چشمانت را ندارند که این همه معصومانه و آرام و با نجابت جواب درس نخوانده ام را می دادی و من هم شرمنده با فرو بردن بغض سکوت. حاضری را برایت می گذاشتم و هرگز نخوانده و تنبیهی و یا علامت منفی برایت نگذاشتم زیرا تو سرا پای وجودت. اخلاق و مثبت اندیشی بود! چرا؟ آخر من شاگرد تو بودم عزیزم! تو با چشمانت، غیرت و عزت و مردانگی را به ما آموختی ولی سکوت را جز اهل درد و رخ نمی فهمند! زیرا مردم اهل داد و فغان و تظاهرند. علی جان! تو کرامت و ایمان و حلال و حرام و اخلاق را به ما آموختی بی آنکه کتابی و قلمی و کلاسی در اختیار داشته باشی! علی جان تو به من و معلمان و دانش آموزان مدرسه ات آموختی ... با فقر می توان زیست اما با خفت و دزدی و بازی کردن با جان و مال مردم هرگز! تو به شهروندان آموختی می توان با شکم گرسنه شب را کولبری کرد و روز را در کلاس حاضر بود و به معلم و مدیر و وزیر آموزش و پرورش و .. انسانیت و و انسان بودن و حرمت داشتن را آموخت. اما خلاف بی عزتی، نامردی، اختلاس و دزدی از مال مردم و بیت المال هرگز! علی جان! تو با شب زنده داری ات و با طنابی که دور کمرت می بستنی به مومن و مسلمان آموختی که چگونه «شهادت» را باید معنی کرد و به ما که نه نمازمان نماز، نه زکات مات زکات، نه مسلمانانمان مسلمانی! معنی «جهاد» را با تمام مفاهیمش یاد دادی. علی جان! طناب تو واژه های آزادی و انسان و دموکراسی و حقوق بشر را به چالش کشید و به تمسخر گرفت زیرا سیاست مداران کشورهای مدعیان چنین واژه هایی، کردستان را چنان قطعه قطعه و پاره پاره کردند که هرگز نتوانستی بر سرفره های نفتی میهن با شکم سیر بخوابی و در نهایت با کولبری زیر بهمن خوابیدی و همان ها بودن که هدیه گران بهایی چون مباران شیمیایی حلبجه و سردشت را به تاریخ ارزانی فرمودند!

علی جان! در کشوری با این همه نعمت و ثروت، با کولبری شبانه ات و خالی گذاشتن صندلی ات در کلاس به مسوولان آموزش و پرورش و وزیرش شرم و حیا آموختی! در حالی که در کشورت تحصیل رایگان است؛ تو برای نان رسیدن به مدرسه ات در زمستان زیر بهمن جان دادی. به صدا و سیما هم آموختی که به جای بارها پخش تنبیه جزئی دانش آموزان از طرف معلمان با شرم، اخبار مرگ جانسوز شما و تهیه هزینه های صدها دانش آموز و دانشجوی را که از جیب معلمان پرداخت شده پی گیر باشد و پخش کند؛ هر چند هرگز نوبت به چون تویی عزیز و دلبندم نرسید!

روان شاد و بهشت نصیب باد. تسلیت و صبوری برای مادر و خواهران گران سنگت ...

محمد رضا مولانی/ دبیر آموزش و پرورش سردشت



نابودی ۱۰۰ هزار فرصت شغلی در ازای ورود یک میلیارد دلار کالای قاچاق

عبدالمجید نگارش نژاد: براساس آخرین آمارها، ۱۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار کالای قاچاق از مبادی غیرقانونی وارد کشور می شود که به معنای حذف یک میلیون و ۴۵۰ هزار فرصت شغلی است. همچنین یک میلیارد دلار نیز کالا از کشورمان به طور قاچاق خارج شده است. با وجود صرف هزینه های زیاد در مبادی، هنوز نتوانسته ایم جلو ورود کالای قاچاق را بگیریم. نزدیک به ۹۵ درصد کالای قاچاقی که به کشور وارد می شود تاریخ گذشته است.



اعتراضات و اعتصابات مزدبگیران

تجمع کارگران شهرداری بجنورد مقابل ساختمان فرمانداری

کارگران که در شهرداری شهر بجنورد در استان خراسان شمالی مشغول کارند، صبح امروز (۱۹ بهمن ماه) در اعتراض به معوقات مزدی خود در مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند. همچنین به نقل از کارگران خدماتی شهرداری بجنورد فراغی که دست کم ۴ ماه مطالبات مزدی طلب دارند گفته می‌شود بی‌توجهی به پرداخت مطالبات آن‌ها باعث شده است تا آنها پیش از این در چند نوبت مقابل ساختمان استانداری استان و شورای شهر بجنورد اعتراض صنفی بر پا کنند. طبق اظهارات آنان مجموع مطالبات معوقه آنان به حدود ۴ میلیارد تومان می‌رسد که پیش از این شهردار شهر بجنورد تصمیم گرفته بود با فروش بخش از املاک شهرداری بخشی از مطالبات کارگران را پرداخت کند. به گفته کارگران معترض جدا از معوقات مزدی چندین ماه حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی واریز نشده و میزان بدهی شهرداری به تامین اجتماعی به حدود ۱۴ میلیارد تومان رسیده است.

تاکسیرانان تهرانی در نمازخانه سازمان تاکسیرانی تجمع کردند

جمعی از تاکسیرانان تهرانی در تماس با ایلنا از تجمع خود در نمازخانه سازمان تاکسیرانی تهران خبر دادند. به گفته این رانندگان، حدود صد نفر از تاکسیرانان از ساعات ابتدایی صبح امروز با تجمع در نمازخانه سازمان تاکسیرانی، خواستار مذاکره با مدیر عامل سازمان تاکسیرانی شده‌اند. تجمع‌کنندگان در ارتباط با علت برگزاری این اعتراض صنفی می‌گویند: از عملکرد سازمان تاکسیرانی تهران ناراضی هستیم؛ یکی از خواسته‌های ما به سامان شدن وضعیت شرکت‌های خصوصی تاکسیرانی است؛ سازمان تاکسیرانی قصد دارد رانندگان را هر جور شده تحت پوشش شرکت‌های خصوصی در بیاورد و این شرکت‌ها مبالغ گزافی را جهت وام خرید خودرو به رانندگان تحمیل می‌کنند. یکی از رانندگان با بیان اینکه معاونت سازمان در جمع تجمع‌کنندگان حاضر شده است؛ می‌گوید: مطالبات ما گسترده است و ما خواهان مذاکره و طرح مطالبات با شخص مدیریت سازمان تاکسیرانی هستیم و می‌خواهیم دغدغه‌های رانندگان را به مدیریت منتقل کنیم.

تجمع کارگران شرکت کاغذسازی نوظهور

حدود ۵۰ نفر از کارگران شرکت کاغذسازی نوظهور در اعتراض به موج تعدیل‌ها، معوقات مزدی و پرداخت نشدن حق بیمه‌ها، تجمع کردند. حاضران در تجمع می‌گویند: بیش از صد نفر از کارگران، از سال ۹۴ حدود ۵ ماه مطالبات مزدی دارند؛ در سال ۹۵ هم سه ماه طلب مزدی کارگران پرداخت نشده؛ آنها می‌گویند: مدیریت کمبود نقدینگی را بهانه قرار داده و مطالبات ما را پرداخت نمی‌کند. به گفته این کارگران، در ماه‌های گذشته، تعداد زیادی از کارگران این شرکت تعدیل شده‌اند که به علت عدم پرداخت به موقع حق بیمه، کارگران تعدیلی نتوانسته‌اند از بیمه بیکاری استفاده کنند. کارگران نوظهور می‌گویند: علاوه بر مطالبات بیمه‌های سال‌های قبل، امسال نیز حق بیمه ما به موقع پرداخت نمی‌شود و از این شرایط نامناسب شغلی، خسته شده‌ایم؛ کارگران می‌گویند: در هفته جاری به اعتراضات خود ادامه خواهیم داد و اگر مدیریت شرکت نخواهد پاسخگوی ما باشد، به مراجع قانونی بالاتر شکایت می‌بریم.



تجمع کارگران شرکت نیک پارس مقابل استانداری قزوین

به گزارش خیرگزاری صداوسیما مرکز قزوین، دو نفر از کارگران این واحد تولیدی گفتند: مدیران این شرکت پنج ماه از حقوق شان را هنوز به حساب شان واریز نکرده اند. یکی از آنان گفت: دستمزد بهمن و اسفند، عیدی پارسال و همچنین حقوق ماه های آبان، آذر و دی امسال را از شرکت طلبکارند. یکی دیگر از این کارگران گفت: از تیرماه امسال هم حق بیمه آنها واریز نشده است. حق



بیمه تکمیلی هم از آنها کسر می شود ولی از آن نمی توانند استفاده کنند. شرکت تولید و فروش دارد ولی با این حال آنها هنوز حقوق شان را دریافت نکرده اند. مدیران شرکت دو هفته است که به آنها قول واریز حقوق شان را داده اند ولی هنوز خبری نیست. آن ها همچنین گفتند: دو نفر از کارگران معترض به نمایندگی از آنان به استانداری رفته اند تا با گفتگو با مدیران مربوطه مشکل را حل کنند. آن ها تعداد کارگران معترض را ۴۰ نفر اعلام کردند که همگی قراردادی هستند. شرکت

نیک پارس در شهرک صنعتی کاسپین قرار دارد و با ۱۴۰ کارگر قراردادی، اسنک، چیپس، غلات حجیم شده و تنقلات با نام تجاری «یامی» تولید می کند.

بیش از هزار کارگر پیمانکاری پالایشگاه ستاره خلیج فارس ۴ ماه است حقوق نگرفته اند

مطالبات مزدی بیش از هزار کارگر پیمانکاری پالایشگاه ستاره خلیج فارس در بندرعباس از آبان ماه پرداخت نشده است. جمعی از کارگران پیمانکاری پالایشگاه ستاره خلیج فارس در بندرعباس در تماس با ایلنا از ادامه معوقات مزدی خود خبر دادند. این کارگران می گویند دستمزد آنها از آبان ماه پرداخت نشده و با احتساب این ماه، چهار ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند. یکی از کارگران این پالایشگاه می گوید: هیچ خبری از پرداخت مطالبات ما نیست؛ امسال وضعیت به مراتب از سالهای قبل بدتر است و نگرانیم که مطالبات ما پرداخت نشود و شب عید، بی پول بمانیم. در پالایشگاه ستاره خلیج فارس چندین شرکت پیمانکاری به صورت سلسله مراتبی وجود دارد و معمولاً مطالبات کارگرانی که شاغل در شرکت های پیمانکاری رده چندم هستند، با تاخیر بسیار پرداخت می شود.

اخذ تعهدنامه از کارگران شهرداری شوشتر برای توقف اعتراضات

به گزارش خبرنگار ایلنا؛ منابع کارگری ایلنا در شهرداری شوشتر با اعلام این خبر گفتند: پس از اعتراض صنفی کارگران شهرداری شوشتر در واکنش به تبدیل وضعیت قراردادهای خود به پیمانی در روزهای پنج و ششم بهمن ماه، در جریان این اعتصاب کارگری روز گذشته؛ شهرداری شوشتر گروهی از کارگران را برای دادن تعهدنامه به کمیته انضباطی احضار کرد. یکی از کارگران شهرداری شوشتر در تشریح جزئیات این خبر به ایلنا گفت: روز گذشته شهرداری شوشتر در اقدامی تامل برانگیز برای جلوگیری از اعتراضات احتمالی کارگران با تشکیل کمیته انضباطی از حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر از کارگران خدماتی و فضای سبز تعهدنامه کتبی گرفته است. به ادعای وی؛ در عین حال کارفرما به بهانه جلوگیری از اعتراضات احتمالی تهدید کرد؛ در صورت بروز هرگونه اعتراض، کارگرانی که از آنها تعهدنامه اخذ کرده را سریعاً اخراج خواهد کرد. او با بیان اینکه این اقدام شهرداری شوشتر در حالی روز گذشته انجام شد که اعتراضات کارگران در روزهای پنج و ششم بهمن ماه در جریان بکارگیری دوباره شهرداری از پیمانکاران صورت گرفته بود؛ در ادامه گفت: این اجتماعات که صرفاً به خاطر نگرانی کارگران از تهدید امنیت شغلی آنان برگزار شده بود تا امروز موثر واقع نشده و شهرداری بدون توجه به کارگران مسئولیت بخش های مختلف زیرمجموعه خود را به پیمانکاران مختلف واگذار کرده است. این کارگر در ادامه می گوید: علارغم موارد ذکر شده؛ کارگران شاغل در شهرداری هم اکنون سه ماه حقوقشان را دریافت نکرده اند و بیمه تامین اجتماعی آنان نیز دچار مشکلاتی است.



مسافرت شب عید نیمی از مردم
ایران با خانواده!!!

تجمع کارگران سد بابا حیدر شهرستان فارسان

تعدادی از کارگران معترض سد بابا حیدر شهرستان فارسان نسبت به تعویق در پرداخت حقوق خود در مقابل استانداری چهارمحال و بختیاری تجمع کردند. به گفته یکی از کارگران: سد بابا حیدر تحت نظارت آب منطقه‌ای استان در حال ساخت است. ۱۴ ماه حقوق کارگران پرداخت نشده که تاکنون کارگران چندین بار تجمع کرده‌اند. این کارگر با اشاره به فعالیت ۵۰ کارگر در این سد بیان کرد: عیدی و سنوات سال گذشته کارگران نیز پرداخت نشده است. اکنون چند نفر از کارگران به نمایندگی به داخل استانداری رفته‌اند. یکی دیگر از کارگران: آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری ۸ میلیارد تومان به پیمانکار پروژه بدهی دارد و به همین علت پیمانکار نمی‌تواند حقوق کارگران را پرداخت کند. روز ۱۲ بهمن‌ماه با وجود اینکه تنها ۷۰ درصد از اجاریات سد تمام شده اما خط انتقال آب به منطقه میزدج کلنگ‌زنی شد. بهتر نیست در ابتدا حقوق ۱۴ ماه کارگران که حقوق ماهانه هر کدام کمتر از ۲ میلیون تومان است، پرداخت شود و پس از آن کلنگ جدیدی به زمین زده شود. عملیات اجرایی سد بابا حیدر از سال ۸۷ آغاز شده که به علت کمبود اعتبار تاکنون اجرایی نشده است. هدف از اجرای طرح تأمین آب شرب، صنعت و کشاورزی شهرستان فارسان است.

به دلیل معوقات مزدی کارگران مقابل شهرداری تجمع کردند

جمعی از کارگران پروژه‌های غیرهمسطح گرگان که در شش ماه گذشته دستمزد خود را دریافت نکرده‌اند، روز گذشته مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. این کارگران طرف قرارداد با یک شرکت پیمانکاری هستند که این شرکت وصول نشدن بدهی‌های خود از شهرداری را دلیل این تاخیر عنوان می‌کند. این کارگران که تعداد آنها بیش از صد نفر است، پیش از این نیز در دی ماه مقابل شهرداری گرگان جمع شده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. کارگران می‌گویند: مناقشات بین شرکت پیمانکاری و شهرداری به ما مربوط نمی‌شود و بایستی شهرداری به گونه‌ای بر عملکرد پیمانکاران زیرمجموعه خود نظارت کند که حق و حقوق کارگران به موقع پرداخت شود. این کارگران در آستانه سال نو با ابراز نگرانی از این دیرکرد می‌گویند: اگر این حقوق معوقه پرداخت نشود، شب عید به مشکل برمی‌خوریم و این شرایط واقعا غیرقابل تحمل است.

کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند

بیش از دویست نفر از کارگران این واحد تولیدی در مقابل ساختمان استانداری تجمع صنفی برپا کردند. کارگران افزودند: بیش از ۷۰۰ کارگر هستیم که چهار ماه است مزد پرداخت نشده طلبکاریم و تا این لحظه با وجود برپایی چند نوبت اجتماع صنفی و مراجعه به مسئولان مربوطه هیچ تغییری در شرایط ما ایجاد نشده‌است. کارفرما در تجمعات قبلی با حضور در جمع معترضان این مجموعه صنعتی، پرداخت مطالبات آنان را منوط به افزایش تولید کرده بود. کارگران معترض با یادآوری اینکه محل کار آنها پیش از این متعلق به گروه سرمایه‌گذاری امیر منصورآریا بود که پس از ماجرای اختلاس ۳ هزار میلیاردی و مصادره اموال متهم اصلی پرونده در دی ماه سال ۹۱ اخیرا به یکی از بانکها طلب کار واگذار شده است. در حال حاضر بابت دستمزد مهر، آبان، آذر و دی ماه خود از کارفرما طلبکاریم و این در حالی است که تعداد دیگری از همکارانمان مطالبات مربوط به تسویه حساب ۹ ماه گذشته خود را نگرفته‌اند.

نمایندگان کارگران سیمان مسجد سلیمان استعفا کردند. اعتراض صنفی به روز سی‌وهشتم رسید

تعدادی از کارگران کارخانه سیمان مسجد سلیمان در تماس با ایلنا گفتند که همه اعضای شورای اسلامی کار این واحد تولیدی در روز چهارشنبه گذشته (۲۰ بهمن ماه) استعفا کرده‌اند. دلیل این استعفا اعمال فشاری بوده است که از سوی مسئولان شهرستانی و استانی برای پایان دادن اعتراض صنفی کارگران سیمان مسجد سلیمان وارد شده است. به گفته کارگران از زمانی که اجتماع صنفی آنان در محوطه کارخانه آغاز شده است نه تنها کارفرما اهمیتی به پرداخت مطالبات عقب افتاده آنان نداده بلکه بدور از انتظار ما مسئولان استانی و شهرستانی برای خاتمه اعتراضات کارگری فشار زیادی را به اعضای شورای کارگری وارد کرده بودند که در نتیجه آن ناچاراً همه اعضای شورای کارخانه استعفاء کردند. وعده‌هایی که کارفرمای کارخانه برای پرداخت طلب ما کارگران داده بود در همان حد شعار باقیمانده است و انگار قرار نیست کسی به غیر از خود ما پیگیر مطالبات صنفی مان باشد. این کارگران در عین حال از نهادهای صنفی کارگری و دولتی در استان خوزستان و شهرستان مسجد سلیمان انتقاد کرده و گفتند: این نهادها تا این لحظه در پیگیری مطالبات آنها هیچ اقدامی نکرده‌اند. این کارگران که شمار آنها تا ۴۸۰ نفر برآورد می‌شود بابت ۵ تا ۱۶ ماه معوقات مزدی خود طلبکارند و به همین دلیل از تقریباً ۳۸ روز قبل با تجمع در محوطه کارخانه خواستار معوقات مزدی خود شده‌اند. به گفته یکی از کارگران این کارخانه در حالی اجتماعات صنفی امروز نیز در محوطه کارخانه ادامه دارد که روز گذشته برای اولین بار اجتماعات صنفی خود را از داخل کارخانه به مقابل ساختمان فرمانداری انتقال دادیم.

چرا نهادهای صنفی کارگری در تحقق مطالبات کارگران ایران عاجز هستند؟

موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی به بازتعریف تکوین و قوانین سه تشکل رسمی کارگری در کشور پرداخته است که مطالعه آن گزارش ما را برآن داشت تا به بررسی موجز در مورد علل چهاردهه انباشت مطالبات کارگری با وجود هزاران نهاد رسمی کارگری که در ایران وجود دارد، اقدام نمائیم.

ما می‌توانیم براساس جایگاه و اهمیت هر یک از این نهادها در رابطه با مطالبات کارگران به میزان تاثیرگذاری این نهادها در تحقق مطالبات کارگری پی ببریم. خصوصاً در حاکمیت ولایت فقیه که چهاردهه از استمرار هجوم بی‌امان اقتصاد لیبرالیستی و رانتی- نفتی حاکم بر علیه منافع کارگران می‌گذرد. سوالاتی که در این رابطه مطرح است آنکه؛ چرا تشکل‌های زرد یا دولتی نتوانستند کوچکترین اقدام موثری در تحقق مطالبات کارگران انجام دهند؟ دلایل متعددی وجود دارد و ثابت می‌کند که از یک طرف چرا نهادهای کارگری و وابسته به حاکمیت نتوانستند در میان کارگران از مقبولیت کافی برخوردار باشند تا به عنوان بازوی تحقق مطالبات جنبش کارگری عمل کنند؟ و از طرف دیگر چرا نهادهای کارگری برای مبارزات صنفی فاقد پشتوانه نظری و استراتژی مشخصی می‌باشند و اینکه چه دلایلی باعث می‌گردد تا نهادهای کارگری نتوانند اقدام به خودآگاهی و سازماندهی طبقه کارگر نمایند تا از این طریق به مشکلات عدیده این طبقه یاری رسانند؟

لازم به یادآوری است که در اوایل انقلاب ایران تکوین نهادهای کارگری زرد و دولتی در شرایطی به وقوع پیوست که جامعه کارگری ایران عمدتاً از نهادهای کارگری مستقل اما وابسته به گروه‌های سیاسی آن دوره برخوردار بود. و در حقیقت می‌توان گفت که تکوین نهادهای صنفی و اسلامی کارگری در آن شرایط، برای مقابله و شناسائی فعالین کارگری و نهادهای کارگری مستقل از دولت تشکیل شد که سازماندهی سرکوب در کارخانجات را رهبری می‌کردند! براین اساس بود که شوراهای اسلامی کار که از بدو تولدشان در سال ۱۳۶۳ به مراکز کارگری ورود کردند، دارای ماهیت اتحادیه‌ای و سندیکائی نبودند و هدف غائی آنها به استناد ماده اول قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار، «ایجاد هماهنگی برای پیشرفت امور در واحدهای تولیدی بود» در قانون فوق وظایف و اختیارات پیش‌بینی شده شوراهایی اسلامی کار نیز، «بیشتر ماهیتی مشورتی داشت» و نه جهت اتحاد و عمل جمعی کارگران به منظور دفاع از حقوق صنفی و منافع معیشتی خود. از طرف دیگر کارفرمایان بر تمام روند تشکیل، انتخابات و تحولات داخلی این شوراها نظارت کامل داشتند و حتی حق انحلال شوراها یا سلب عضویت از افراد عضو این شوراها نیز برای آنها محفوظ بود! در سال ۱۳۷۱ انجمن‌های صنفی کارگران به ظهور می‌رسد. گرچه تکوین این انجمن‌ها بخشی از خلاء وابستگی به حاکمیت سیاسی را پر ساخت، اما در پروسه حیات خود استقلال خود را نیز به مرور از دست داد و با تغییراتی که حاکمیت در قوانین و آئین‌نامه‌های آن اعمال کرد، نهادی به شدت وابسته به بالائی‌های قدرت شد. در بررسی وضعیت حقوق انجمن‌های صنفی، به صورت مشخص دو سند وجود دارد که در هر دو آئین‌نامه، تصریح شده است که: «آئین‌نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط موضوع ماده ۱۳۱ قانون کار» هیچ محدودیتی برای اقدام به تأسیس و یا عضویت در مجمع عمومی، هیأت مدیره یا عضویت به عنوان بازرس انجمن‌های صنفی، در نظر گرفته نشده و هیأتی نیز برای نظارت بر فعالیت‌های آن پیش‌بینی نشده است؛ کارفرما و دولت نیز حقی برای داشتن نماینده در تشکیلات این انجمن ندارند. در فصل وظایف هم، تا حدودی بر فعالیت‌های صنفی برای حفاظت از حقوق معیشتی و رفاهی کارگران تاکید شده است. اما در آئین‌نامه اصلاحی سال ۸۷ و بر اساس این آئین‌نامه عضویت در هیأت‌مدیره یا بازرسان انجمن صنفی مقید به شرایطی نظیر تابعیت جمهوری اسلامی و عدم وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی غیرقانونی شده است! همچنین در ماده ۱۷ آن «انحلال انجمن صنفی» توسط مراجع ذیصلاح، رسمیت می‌یابد و در ماده ۱۹ نیز تصریح می‌شود که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند انجمن‌ها یا اعضای هیأت مدیره انجمن‌ها را برای تصمیم‌گیری به مراجع ذیصلاح ارجاع دهد. با تصویب قوانین فوق ظرف انجمن‌های صنفی نیز همچون شوراهای اسلامی کار تهی گردید و با این قوانین عملاً به انباشت مطالبات جنبش مزدبگیران افزوده شد. کنترل نهادهای کارگری و صنفی و دخالت حاکمیت بر جلوگیری از سازماندهی و تحقق مطالبات کارگری در این نهادها نتیجه محتوم وابستگی و مولود نهادهای دولتی زرد بود که ادامه یافت. مجمع نمایندگان کارگری نیز همچون وظایف و اختیارات اعضای شوراهای اسلامی کار و انجمن‌های صنفی بیشتر مشورتی بوده و برای حل اختلافات و مصالحه با کارفرما، برنامه‌ریزی شده است. که این نهاد هم عملاً در وابستگی به منافع حاکمیت و برای کنترل و توازن کار- سرمایه به نفع آن شکل گرفت.

در اینجا به سؤال دوم می‌پردازیم که چرا نهادهای کارگری دارای پشتوانه نظری و درازمدت منسجم نیستند تا با خودآگاهی و سازماندهی طبقه کارگر به مشکلات این طبقه یاری رسانند؟ براساس مصوبات و قوانینی که نهادهای کارگری دارند و ثابت می‌کند که به دلیل وابستگی به قدرت تاکنون نتوانسته‌اند به مطالبات بیش از ۴۰ میلیون کارگر و خانواده‌های ایشان کمک کنند، می‌توان نتیجه گرفت که؛ جلوگیری از شکل‌گیری تئوری مدون و کار فکری در جهت خودآگاهی طبقاتی و سازماندهی طبقه کارگر بنیان عقب

ماندگی جنبش کارگری را تشکیل می داد تا طبقه کارگر از دستیابی به مطالبات خود محروم شود! زیرا خودآگاهی طبقاتی اگرچه ماهیتی ایدئولوژیک دارد و امری ذهنی است اما پیوند جدا ناشدنی آن با مقولاتی همچون عدالت و آزادی را در برمی گیرد، که در حوزه مبارزات صنفی کارگران کارگرد عینی و واقعی و ملموس پیدا می کند. زیرا ایدئولوژی در این تعریف؛ تنظیم کننده رابطه گروه های اجتماعی و طبقه با «محیط برون از خود» است؛ که از کانال انتقال آگاهی به احساس طبقه یا گروه های اجتماعی عمل می نماید. در حقیقت امر آزادی رابطه مشخصی با آگاهی، سازماندهی، اعتراض و تلاش برای رسیدن به مطالبات واقعی می باشد. از طرف دیگر مقوله عدالت رابطه مستقیم با مطالبات صنفی کارگری دارد که به حقوق، حق بیمه، سنوات، و... مربوط می گردد. مسئله حساس و زیربنایی جهت آنکه طبقه کارگر به این مرحله از آگاهی دست یابد، به نقش ایدئولوژی ها در جامعه برمی گردد، زیرا ایدئولوژی به معنی شیوه آگاهی رسانی به طبقه و گروه های اجتماعی و تنظیم کننده روابط در این مناسبات با محیط بیرون از خود می باشد. که متأسفانه در جامعه امروز ایران هیچگونه اندیشه منسجمی که اعتقاد به انتقال خودآگاهی به این طبقه را داشته باشد وجود ندارد.

در این رابطه موضوع محوری دیگر برای انتقال فکر به طبقه نیاز به عنصر یا نهاد «پیشرو» می باشد که می توان به نقش «سندیکا» اشاره داشت زیرا نهادهای سندیکائی دارای دو رویکرد صنفی و سیاسی به صورت هم راستا می باشند که در جوامع غربی خصوصاً در کشورهای اروپائی با تجربه بیش از ۱۵۰ سال نهادینه شده است. لذا تا زمانی که عنصر آگاهی به توسط جریان پیشرو (نهادهای کارگری با رویکرد سندیکا) به متن طبقه منتقل نگردد ما نمی توانیم از طبقه کارگر انتظار داشته باشیم تا به خودآگاهی برسد و یا به واسطه داشتن مطالبات متعدد به حرکت و اعتراض سازمان یافته روی آورد. و بدیهی است در این صورت آن حرکت به انحراف خواهد رفت. کما اینکه طی چهاردهه اخیر ثابت شد که نهادهای دولتی صنفی به دلیل وابستگی به حاکمیت و عدم اعتقاد به خودآگاه سازی کارگران و قدرت چانه زنی جهت تحقق مطالبات کارگران را ندارند.



تجمع کارکنان اخراجی ثامن الحجج مقابل ساختمان مجلس

بیش از ۵۰۰ نفر از مجموع ۲۷۰۰ کارمند ثامن الحجج که در ۴۸۰ شعب این موسسه مالی اعتباری اشتغال دارند، به تهران آمدند تا بار دیگر اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شغلی خود را اعلام کنند. این تجمع کنندگان با یادآوری اینکه پیشتر آن ها تجمع مشابهی را در مقابل ساختمان مجلس برپا کرده بودند؛ و از آن زمان تعدادی از نمایندگان مجلس قول پی گیری مطالباتمان را داده بودند که پس از گذشت یک ماه این وعده ها هنوز عملی نشده است. موسسه ثامن الحجج تا پیش از متوقف شدن فعالیت هایش در دیماه سال گذشته در سراسر کشور ۴۸۰ شعبه داشت که در آن نزدیک به ۲۷۰۰ نفر مشغول کارند. با وجود پیگیری های کارکنان اخراجی و تجمع در مقابل نهادهای مختلف در مدت یک سال گذشته هنوز هیچ کدام از مسئولان مربوطه به خواسته های آنها رسیدگی نکرده اند.



برای کوخ‌نشینان انقلاب کردیم، حال شاهد مرگ کولبران و فرودستانیم

ابراهیم رزاقی (اقتصاددان) در گفتگو با خبرنگار ایلنا؛ در ارتباط با اوضاع اقتصادی کشور و معاش طبقات فرودست: به نظر می‌رسد دچار انحراف عظیمی در اقتصاد شده‌ایم و دولت‌ها در بیش از دو دهه گذشته وظایف خود را به سادگی فراموش کرده‌اند. تامین مسکن، بهداشت، بیمه و آموزش براساس قانون اساسی وظیفه دولت است اما در عمل اتفاقی که افتاده، بی‌خانمانی، ضعف آموزش، نبود امکانات درمانی، فقر و بینوایی بوده است. رزاقی با بیان اینکه در حال حاضر ۸۰ درصد دستمزدبگیران زیر خط فقر زندگی می‌کنند، ادامه داد: از یک طرف سیاست‌های اقتصادی فقط در جهت حمایت از دلالان و واردکنندگان است و از طرف دیگر با فساد در لایه‌های بالا مبارزه نشده است؛ در نتیجه ما شاهد اعمال یک‌سری سیاست‌های بیمار خصوصی‌سازی هستیم که ضدتولید و ضداشتغال هستند. به این ترتیب در این دو دهه گذشته، طبقه مرفه و ممتازی به وجود آمده است که نه سرمایه‌دار است و نه تولیدگر؛ این طبقه اشرافی قدرتمند و ممتاز، هیچ پایگاه اجتماعی هم در بطن توده‌های ملت ندارد و فقط به سودجویی هرچه بیشتر می‌اندیشد. برای کوخ‌نشینان انقلاب کردیم اما حالا شاهد کولبران و گورخواب‌ها هستیم و این تاسف‌بار است، حاصل این انحراف‌ها را این روزها شاهدیم.

بخش عظیمی از فرودستان از جمله کولبران، فقط کار می‌کنند که از گرسنگی نمیرند؛ اینها نه بیمه دارند، نه امنیت شغلی و نه حمایت‌های اجتماعی. تاسف‌بارتر از همه نگاه معیوب مدیرانی است که کولبری را شغل می‌بینند و افتخار می‌کنند که کارآفرینی کرده‌اند؛ این نوع نگاه، رنج انسانها و خطرات معاش فرودستان را به نفع سرمایه‌داران قلبی توجیه می‌کند و بر این رنج چشم می‌پوشد که این مساله بسیار خطرناک است. رزاقی با تاکید بر اینکه نیاز به پالایش مدیریتی هستیم، گفت: باید نگاهی حاکم شود که بر مبنای ارزش‌های دینی و انسانی و براساس قانون اساسی به برابری انسان‌ها قائل باشد؛ در غیر این صورت هر روز بیش از روز پیش، شاهد افول معاش فرودستان خواهیم بود. انقلاب اسلامی، انقلاب ثروتمندان نبود، متأسفانه مسئولان طبق قانون و به نفع محرومان عمل نمی‌کنند، فقط در برهه‌های انتخاباتی شعار می‌دهند و رای جمع می‌کنند و پس از اینکه بر مسند کار می‌نشینند، همه شعارها فراموش می‌شود. وی تشکلیابی فرودستان و بینوایان را یک راهکار موثر دانست و گفت: اگر این بینوایان و فرودستان متشکل شوند، اگر آزادانه به آنها آگاهی رسانی شود و اگر رسانه‌ها به وظیفه اخلاقی و وجدانی خود به درستی عمل کنند، مسئولان در نهایت مجبور می‌شوند پاسخگوی این همه نابسامانی باشند.

تشکل‌های کارگری غایب بزرگ فضای صنفی کشورند

حمید حاج اسماعیلی؛ در کشور تشکل‌های متعددی از انجمن‌های صنفی، شوراهای اسلامی کار و نمایندگان کارگری داریم اما متأسفانه در فضای کنونی، حضور آنها احساس نمی‌شود. نمایندگان کارگری فقط برای سالی یکبار رفتن به سازمان بین‌المللی کار نیستند. وقتی آنها در چنین مجامع بزرگی حضور می‌یابند چه دستاوردی برای جامعه کارگری خواهند داشت؟ در صورتی که اگر تشکل‌های قوی کارگری در کشور وجود داشت، می‌توانستند روی مسائل مختلف صنفی کارگران از جمله بیمه، ایمنی، بهداشت کار، کارانه کارگران و بسیاری از موضوع‌های دیگر فعالیت داشته باشند. هم‌اکنون سازمان‌های کارگری مکانیسم نظارتی برای فعالیت‌های کارگری در کشورند، چانه زنی ایزاری اساسی برای تشکل‌های کارگری است. وقتی تشکل‌ها چنین ایزاری نداشته باشند، همواره حقوق کارگران در بنگاه‌های اقتصادی تضییع می‌شود. در صورتی که تشکیلات قوی در کشور داشتیم، می‌توانستیم تأثیرگذار باشیم. تشکل‌های کارگری باید ساختار صنفی دمکراتیک داشته باشد تا آسیب نبینند. در دو دهه گذشته ما در زمینه فعالیت‌های کارگری دچار مشکل شده‌ایم. ساختارهای اقتصادی در ایران بدون تولید است، بنابراین در چنین ساختارهایی تشکل‌های مستقل کارگری بدرستی شکل نمی‌گیرد. با توجه به اینکه درآمدهای نفتی در دست دولت است، دولت تشکل‌ها را تعیین می‌کند و تشکل‌ها هم چون از مبنای تولیدی شکل نگرفته‌اند وابسته به دولت و به عبارتی منابع نفتی هستند. حاج اسماعیلی درباره وقوع حادثه ای نظیر آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو گفت: در این حادثه انگشت اتهام به طور عام به سوی دولت و نهادهای وابسته به کشور بود و کسی به این امر توجه نداشت که چرا تشکل‌های کارگری در چنین حوادثی حضور ندارند، در حالیکه چهار هزار کارگر در این مرکز کار می‌کردند. نزدیک به ۱۵ میلیون نیروی کار در کشور داریم که حدود ۷۵ درصد آنها در بازار کار می‌کنند، ۲۵ درصد بیکار هم هیچ‌گونه تشکلی ندارند. به دلیل مرزبندی خاصی که تشکیلات کارگری پس از انقلاب با حزب توده داشتند، به مرور این جدایی با جریان‌های چپ‌گرا بیشتر شد و همچنین ماهیت ذاتی متفاوت نهادهای کارگری با مکاتب سرمایه‌داری و لیبرال‌سیت، باعث شد سازمان‌های کارگری در ایران بیشتر دچار سردرگمی شوند.

در حال حاضر به دلیل نبود پشتوانه‌های نظری، کارگران برای ساختن و ترمیم نهادهای مرتبط با کارگران در کشور با مشکلات جدی درون سازمانی روبرو هستند. سازمان‌های قوی کارگری باید در کشور ایجاد شود. متأسفانه همواره نهادهای دولتی را زیر سؤال می‌بریم اما این پرسش وجود دارد که این تشکل‌ها برای ارتقای خود چه کاری انجام داده‌اند.

لایحه ای که امنیت شغلی کارگران را تهدید می کند



خانه اندیشمندان علوم انسانی، روز یکشنبه، ۱۷ بهمن، به موضوع «بررسی لایحه اصلاح قانون کار از منظر حقوق عمومی و اقتصاد سیاسی» پرداخت؛ ما از این نشست، نظرات دکتر محمد مالجو، اقتصاددان و مدرس دانشگاه را اقتباس کرده ایم؛ لایحه ای که خوانده ام، به صراحت، امنیت شغلی پیشاپیش از بین رفته کارگر را زایل تر می کند. «این لایحه، وظایفی را که در ماده «۷» بر عهده دولت بود، از دوش آن برداشت، همچنین در تبصره «۲» همین ماده، موجباتی را فراهم کرد که قراردادهای موقت کار تبدیل به یک امر قانونی شوند. همچنین، نیروهای کار

بیش از آنچه الان از حقوق خود محروم هستند، محروم تر خواهند شد.» این لایحه انعطاف پذیری زیادی دارد ولی مسئله اینجاست که انعطاف پذیری آن به سود کارفرما بوده، نه کارگر. این لایحه، سهولت اخراج کارگر را بسیار قوت بخشیده و به این معنا بازار کار، انعطاف پذیر شده است به این صورت که هر جا نیروی کار برای کارفرما سودآوری نداشته باشد، می تواند به راحتی از سوی او اخراج شود.» «در لایحه مذکور، یکی از تبصره های ماده «۲۷» حذف شده که در این صورت، کارفرمایان در مقام کار، مقام کدخدایی پیدا می کنند و به بهانه های مختلف مانند کسادی کار و ... می توانند نیروی کاری را که قرارداد موقت دارد، اخراج کنند.» «در باره محور سوم نیز باید گفت در فرایند این دادگاه اتفاقی که می افتد، عملاً به سود کارفرماست. بنابه نظر من، از رهگذر اعتبار دادن به صلاح دید کارفرما، تشخیص اینکه باید اخراج صورت گیرد یا نه، بر عهده این گروه گذاشته شده و این لایحه، امنیت شغلی کارگر را به کلی از بین می برد، در صورتی که فاکتور امنیت شغلی در نگاه برخی مسئولان به صورتی دیگر نمایش داده می شود.»

«نیروهای کار، امروزه با شدت بیشتری، یعنی ۶۰ درصد جمعیت کشوری، دچار بحران اختلال در بازتولید خواهند شد و عملاً نمی توانند شرایط مناسبی را برای خانواده های خود بازتولید کنند. مسئله دوم این است که لایحه اصلاحی، زمانی این فشار را تقویت می کند که بیش از هر دوره دیگری با معضل شرایط نامناسب اقتصادی روبه رو هستیم؛ البته باید متذکر شد لایحه مذکور، با نیت سوء به دنبال به خطر انداختن امنیت شغلی کارگر نیست بلکه هدف این بوده که با به کارگیری برخی مؤلفه های خاص، سهم بری نیروی کار از سهم بری تولید و توزیع کاهش یابد تا به این طریق، نرخ سود فعالیت اقتصادی برای بخش خصوصی و دولتی افزایش یابد و تصور این است که با افزایش سود این بخش ها، برخی از مشکلات اقتصادی حل خواهد شد که به نظر بنده، ایران هیچگاه با این روش نمی تواند مشکلات اقتصادی خود را حل کند» برخی موانع، عملاً نمی گذارند در ایران سرمایه گذاری به معنای دقیق کلمه صورت گیرد و دولت ها نیز به سمت رفع این موانع نمی روند زیرا در این صورت، قدرت سیاسی خود را از دست خواهند داد و از آنجایی که نیروی کارگری، هیچ سازمان منسجمی برای مقابله با برخی سیاست ها ندارد، فشارها عمدتاً بر این قشر صورت می گیرد تا اینکه بخواهند مقابل عوامل ایجاد کننده فشار مقابله کنند. «فصل ششم این اصلاحیه، اجازه تشکیل سندیکاهای مستقل را به کارگر نمی دهد و عملاً این مسئله، نادیده گرفتن حق کارگر محسوب می شود.» این لایحه نه تنها غیر قابل اصلاح است بلکه باید به کلی به سطل آشغال ریخته و از نو نوشته شود.

مسدود کرد دربهای ورودی مجتمع هفت تپه به روی برخی مدیران



اعتراض صنفی نزدیک به ۳۰۰۰ کارگر مجتمع نی شکر هفت تپه در پی بی نتیجه ماندن وعده های کارفرما در پرداخت مطالبات کارگران به یازدهمین روز متوالی وارد شد. کارگران معترض مجتمع نی شکر هفت تپه که دست کم دو ماه است که حقوق و مزایا دریافت نکرده اند و به همین دلیل از روز چهارشنبه ششم بهمن ماه دست از کار کشیده و هر روز در محوطه کارخانه تجمع می کنند. براساس گزارش یکی از کارگران، پیش از این نیز در واکنش به بدقولی کارفرما تجمعات مشابهی را در محوطه کارخانه انجام داده ایم اما در تجمع امروز که همکاران نی بر و بازنشسته ما را همراهی می کنند در نهایت امروز منجر به درگیری کارگران با عوامل کارفرما شده است. به گفته وی با بحرانی شدن وضعیت کارخانه کارگران معترضین با مسدود کردن درب های ورودی کارخانه مانع ورود و خروج برخی مدیران کارخانه به محل کارشان شده اند.

۱۰۰۰ کارگر و معلم و فعال مدنی در بیانیه متحدانه ای با حمایت از عظیم زاده و عبدی، خواهان پایان دادن به امنیتی کردن فعالیتهای صنفی شدند

در بخش هائی از این بیانیه آمده که؛

موجیم که آسودگی ما عدم ماست

جعفر عظیم زاده، از فعالین و مدافعین حقوق کارگری در تاریخ ۵ بهمن از سوی مراجع قضایی و امنیتی به منظور بازگشت به زندان، تحت تعقیب قرار گرفت. ماموران امنیتی با مراجعه به منزل نامبرده با اعمال فشار روحی و روانی بر خانواده و تهدید و ارباب فرزند ارشدش، فشار برایشان و فعالین کارگری را تشدید کردند. عظیم زاده که همواره دغدغه خویش را تضحیح حقوق کارگر و طبقه مزد بگیر مانند معلمان اعلام نموده است، در اردیبهشت سال ۹۵ همراه با اسماعیل عبدی، اعتصاب غذای خود را با هدف برداشته شدن اتهامات امنیتی از پروندههای فعالین کارگری / معلمی آغاز نمود. پس از در دستور کار قرار گرفتن لایحه اصلاح قانون کار توسط مجلس، عظیم زاده به همراه سایر فعالین و تشکلهای کارگری اعتراضات خود را در قالب تجمع های مختلف اعلام نمودند که منجر به مسکوت ماندن لایحه مذکور بطور موقت گردید و در نتیجه با تلاش های بی وقفه ایشان و سایر فعالین، کارگری به توفیقی مهم دست یافت و تعرض سرمایه داران را به عقب راند. اصلاحات مد نظر در لایحه اصلاح قانون کار که از سوی سرمایه سالارهای متکی به قدرت حمایت میشود، عملاً کارگر را به بی حقوق ترین و ارزانترین کالا در خدمت نظام سرمایه داری تبدیل میکند و شرایط فلاکت بار تری را به سطح معیشت کل جامعه تحمیل مینماید. این تلاشها امنیت و منفعت سرمایه داران را به مخاطره انداخته و در نتیجه فشار بر فعالان صنفی و اجتماعی از جمله جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی را بعنوان یک راهبر اساسی جهت جلوگیری از بیداری و آگاهی کارگران و مزد بگیران، مد نظر دستگاههای امنیتی و قضایی قرار داده است. لذا ما جمعی از فعالین صنفی معلم و کارگری و مدنی ضمن اعلام حمایت از جعفر عظیم زاده و تلاشهای مستمر ایشان در جهت رفع اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین کارگری، و معلمی خواستار رفع این اتهامات واهی و بی ربط از پرونده های فعالین کارگری و معلمان شده و خواهان آزادی بی قید و شرط آنان هستیم...

کارخانه های «کنتورسازی ایران» و «صنایع کم مصرف ایرانیان» پلمپ شدند

کارگران کارخانه های کنتورسازی و صنایع کم مصرف ایرانیان که در شهر صنعتی البرز قزوین واقع شده است از یک سال پیش به دلیل پی گیری مطالبات معوقه مزدی خود مرتباً در مقابل نهادهای مختلف دولتی استان قزوین و محل کارخانه دست به اعتراض صنفی می زنند. فعالیت دو کارخانه «کنتورسازی ایران» و «صنایع کم مصرف ایرانیان» در استان قزوین با حکم مراجع قضایی به دلیل افزایش بدهی مالی معوقه به اداره مالیات متوقف شد. در این دو کارخانه حدود ۳۵۰ کارگر مشغول به کار بودند که بین ۵ تا ۱۰ ماه دستمزد خود را دریافت نکرده اند. علاوه بر بدهی کارخانه کنتورسازی ایران به اداره مالیات، این دو واحد تولیدی بدهی های دیگری نیز به چند نهاد دولتی و خصوصی همچون اداره تأمین اجتماعی، چند بانک خصوصی و دولتی دارند. هر دو کارخانه کنتورسازی و صنایع کم مصرف ایرانیان دارای کارفرمای واحد هستند، از مجموع ۳۵۰ کارگر این دو کارخانه ۵۰ کارگر در کارخانه صنایع کم مصرف ایرانیان مشغول کارند که حدود ۱۰ ماه مزد معوقه از کارفرما طلب کارند.

تجمع کارگران روغن نباتی جهان زنجان

از دهه نخست بهمن ماه امسال کارگران روغن نباتی جهان بیکار شدند؛ بدین منظور امروز ۲۰۰ نفر از این کارگران در مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. ماجرای بلاتکلیفی کارگران کارخانه روغن نباتی جهان زنجان موضوعی است که از مدت ها قبل بحث آن مطرح بوده و متأسفانه تدبیری برای آن اندیشیده نشده است. کارگران بیکار شده کارخانه روغن نباتی جهان از روز دهم بهمن ماه چندین بار برای اعتراض مقابل استانداری زنجان جمع شدند تا مشکلات خود را به گوش مسؤولان برسانند. از زمان واگذاری شرکت روغن نباتی جهان به بخش خصوصی به بهانه های مختلف این کارخانه در آستانه تعطیلی قرار گرفته و نیروهای آن تعدیل شده و این بار ۲۰۰ کارگر روغن نباتی جهان از این کارخانه اخراج شده اند. امروز نیز کارگران روغن نباتی جهان به همراه خانواده های خود در مقابل استانداری جهان تجمع کرده اند. از جمله شعارهایی که تجمع کنندگان سر می دهند شامل «نیروی انتظامی تشکر تشکر»، «استاندار حمایت حمایت»، «مسئول بی لیاقت نمی خواهیم نمی خواهیم»، «عیدی امسال ما بیکاری، بی پولی»، «یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه»، «مسئول بی لیاقت اخراج باید گردد» و «مرگ بر مفسد اقتصادی» است. کارخانه روغن نباتی جهان در کیلومتر ۱۶ بزرگراه زنجان - قزوین قرار گرفته و با بیش از ۵۰ سال فعالیت از بزرگترین و قدیمی ترین کارخانجات تولید روغن در ایران است و انواع روغن های نباتی از جمله روغن های مایع و قنادی و کره گیاهی را تولید می کند.

پیشرو، جنبشی است که به عنوان لکوموتیو استراتژی جنبشی، می‌تواند نقش هدایت‌گری و راهبری بر جنبش‌های دیگر داشته باشد».

بین استراتژی پیشگام با پیشرو دیوار چین وجود ندارد. لازمه استراتژی پیشگام «پیوند با جنبش‌های سه گانه می‌باشد؛ که این مهم زمانی که ما در عرصه نبین استراتژی جنبشی خود، «جنبش پیشرو» را مشخص بسازیم». اتفاق می‌افتد. «تشکیلات افقی پیشگام، پس از مشخص کردن جنبش پیشرو، مشخص می‌شود». چرا که برعکس تشکیلات عمودی پیشگام (که مشمول سازماندهی نخبه‌ها می‌شود) در تشکیلات افقی پیشگام، «سازمان‌گری از زندگی و کار و مبارزه صنفی گروه‌های اجتماعی می‌گذرد» و به همین دلیل از آنجائیکه زندگی و کار در رابطه با جنبش‌های سه گانه متفاوت می‌باشد، همین امر باعث می‌گردد تا برحسب تغییر «جنبش پیشرو» نوع سازماندهی افقی رویکرد پیشگام متفاوت بشود.

در دایره حرکت پیشرو تا زمانیکه دیالکتیک عین و ذهن از کانال انتقال آگاهی، از محیط به احساس طبقه یا گروه اجتماعی انجام نگیرد، اعتلا و نقش هژمونی و راهبردی حرکت پیشرو در عرصه استراتژی جنبشی غیر ممکن می‌باشد. در عرصه مبارزه پیشرو و جنبش‌های سه گانه، «موضوع ایدئولوژی، محوری مطرح می‌گردد». ایدئولوژی در اینجا تنظیم کننده رابطه گروه‌های اجتماعی و طبقه با «محیط برون از خود» است؛ که از کانال انتقال آگاهی به احساس طبقه یا گروه‌های اجتماعی عمل می‌نماید.

برگرفته از سرمقاله شماره ۹۱- چرا «انقلاب ضد استبدادی بهمن ماه ۵۷ مردم ایران، شکست خورد؟»

در ایران امروز نیاز به تحلیل طبقاتی و مبارزه طبقاتی و جنبش کارگری از آنجا نشات می‌گیرد که تنها راه کسب جایگاه تاریخی جنبش کارگری در ایران اعتقاد به مبارزه طبقاتی است و تنها راه فعال کردن مبارزه طبقاتی در جامعه ایران داشتن تحلیل طبقاتی از هرم طبقاتی جامعه ایران می‌باشد.

مشکل امروز طبقه کارگر ایران در این است که این طبقه در ایران هنوز به مرحله بلوغ طبقاتی نرسیده است و همین فقدان بلوغ طبقاتی طبقه کارگر ایران باعث گردیده که مبارزه طبقاتی کارگران ایران صورت انفرادی و پراکنده و صنفی محض داشته باشد

از آنجائی که در ایران امروز به لحاظ تشکیلاتی اتحادیه کارگری وجود ندارد در نتیجه مبارزه سندیکالیستی در ایران امروز نمی‌تواند بستر ساز اعتلای طبقاتی طبقه کارگر ایران بشود که این خلاء باعث گردیده تا شرایط جهت تزریق تشکیلات دولتی تحت عنوان «خانه کارگر» و نهادهای بسیج و انجمن‌های اسلامی به طبقه کارگر ایران توسط رژیم مطلقه فقه‌ای فراهم گردد. بنابراین تا زمانی که طبقه کارگر ایران به اتحادیه کارگری دست پیدا نکنند امکان اعتلای مبارزه تشکیلاتی و سندیکالیستی برای طبقه کارگر ایران فراهم نمی‌شود.

تا زمانی که به تحلیل مشخص طبقاتی جامعه ایران دست پیدا نکنیم امکان نجات طبقه کارگر ایران از این بحران استخوان سوز وجود نخواهد داشت، چراکه طبقه کارگر برای رهایی از بحران خود باید از زاویه منافع طبقاتی خود به جهان بنگرد نه از زاویه منافع سرمایه‌داران و دستگاه ولایت‌مدار مطلقه فقه‌ای حاکم، به همین دلیل آنچه باعث شفاف سازی منافع طبقاتی برای طبقه کارگر می‌شود همان تحلیل طبقاتی است.

تا زمانی که شعور طبقاتی توسط پیشگام در بستر تشکیلات افقی به طبقه کارگر ایران تزریق نشود امکان تحول طبقاتی در طبقه کارگر ایران که بستر ساز استعاله طبقاتی از طبقه‌ائی «در خود» به طبقه‌ائی «برای خود» می‌باشد، ایجاد نمی‌شود.

مبارزه طبقاتی طبقه کارگر با نظام سرمایه‌داری صورت پروسسی دارد نه دفعی. که از صورت مبارزه اولیه صنفی در بستر منافع این طبقه تکوین پیدا می‌کند و در بستر پیوند و فراگیر شدن آن به صورت مبارزه طبقه‌ائی در می‌آید... که از این مرحله امکان خاموش شدن آن وجود نخواهد داشت.

کتاب جنبش کارگری ایران- جلد اول

آفت شناسی جنبش کارگری ایران